

«شرق» بررسی می کند

# رویارویی ایران و آژانس و آینده مبهم برجام

**عبدالرحمن فتح‌الهی:** کمافی‌السابق در ۱۳۸ روزی که از توقف مذاکرات وین می‌گذرد، تهران و واشنگتن همدیگر را مقصر عدم احیای برجام و ازسرنگرفتن مذاکرات می‌دانند. در همین راستا از یک سو ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در توئیتر خود نوشت: «جمهوری اسلامی ایران در برجام بوده و هست، طرفی که باید برای بازگشت، حسن نیت و التزام خود را ثابت کند، دولت آمریکاست». در مقابل ند پرایس، همتای آمریکایی او نیز در کنفرانس خبری تأکید دارد که دولت بایدن تصمیم سیاسی خود را در زمینه احیای برجام گرفته و این ایران است که باید انتخاب نهایی خود را داشته باشد. در این بین که روزبه‌روز امیدها برای احیای برجام کم‌رنگ‌تر می‌شود، شاهد تقابل لفظی بین رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران هستیم که نشان می‌دهد نگرانی‌ها درخصوص ابعاد فعالیت‌های ایران در حوزه هسته‌ای به دلیل تأخیر در احیانشدن برجام پررنگ‌تر از گذشته شده است. تماس تلفنی دوساعته امانوئل مکرון، رئیس‌جمهوری فرانسه، با سیدابراهیم رئیسی، همتای ایرانی او، درباره احیای برجام هم گویا تیر آخر اروپایی‌ها برای فشار به تهران با هدف احیای برجام بود که نتیجه‌ای هم در بر نداشت. درعین حال آن‌گونه که پیداست تلاش‌های منطقه‌ای به‌خصوص تحرکات قطر و نیز عمانی‌ها هم نتوانست به کاهش اختلافات و احیای برجام منجر شود. در چنین شرایطی ایهود باراک، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، در مقاله‌ای برای «تایم»، موضعی رادیکال مبنی بر حمله گسترده نظامی علیه جمهوری اسلامی را مطرح کرده است؛ چراکه به باور باراک باید ایران با توان نظامی هسته‌ای را پذیرفت. همه نکاتی که بیان شد، گواه آن است که باید ازسرگیری مذاکرات و احیای برجام را به‌خاطرها سپرد.

**چرا گروسی لب به سخن گشوده است؟**

۳۱ تیر بود که رافائل گروسی در مصاحبه با نشریه «ال‌پائیس» اسپانیا از رشد کمی و کیفی فعالیت‌های هسته‌های ایران به‌خصوص در غنی‌سازی و ایجاد مشکلات برای مذاکرات گفت که با واکنش محمد اسلامی مواجه شد؛ اما در ادامه مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه دیگری با شبکه سی‌ان‌ان ادعاهای جدیدی را در پاسخ به رئیس سازمان انرژی اتمی ایران علیه تهران مطرح کرد که نشان می‌دهد تقابل این دو ((آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان انرژی اتمی ایران) می‌تواند سطحی از تقابل گسترده‌تر و آماجگی برای آغاز فشارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای حکام باشد.

محسن جلیلود در همین زمینه در گفت‌وگویی با «شرق» اعتقاد دارد چون ایران و ایالات متحده آمریکا به نقطه‌ای رسیده‌اند که نه‌تنها مسئله احیای برجام مطرح نیست، بلکه حتی ازسرگیری مذاکرات هم در دستور کار طرفین قرار ندارد، بنابراین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز درباره ابعاد فعالیت‌های هسته‌ای ایران بیش‌ازپیش نگران است؛ به‌خصوص آنکه پس از صدور قطع‌نامه شورای حکام آژانس، سازمان انرژی اتمی ایران مبادرت به خاموش‌کردن دوربین‌های فرآیادمانی از تأسیسات هسته‌ای خود کرده است. در مقابل فریدون مجلسی با نگاهی متفاوت، معتقد است آنچه شرایط کنونی را برای احیانشدن برجام رقم زده است، به شرایط سیاسی داخلی در ایران بازمی‌گردد، نه تحولات جهانی. به باور این دیپلمات پیشین کشور در کب‌وگفتش با «شرق»، اگرچه در برخی تحلیل‌ها و نظرات کارشناسان این تلقی وجود دارد که دولت رئیسی به دنبال احیای برجام است یا جمهوری اسلامی ایران به دلایل متعدد نمی‌تواند احیای برجام را کلید بزند، اما به‌واقع باید پذیرفت که پس از انتخابات ۱۴۰۰ و یکدست‌سازی قدرت عملا هم سیاست خارجی ایران و هم سیاست داخلی دچار یک دگرگونی اساسی شده است. به این معنا که همان‌گونه که قدرت یکدست‌شده در دولت روحانی اجازه تداوم حیات برجام را نداد و بعد از خروج ترامپ از توافق هسته‌های اجازه احیای آن داده نشد، قطعا در دولت رئیسی به دنبال احیای برجام است یا جمهوری برای تحقق منافع سیاسی، حزبی، گروهی و جناحی خود می‌داند؛ چراکه تداوم فضای دوقطبی و پررنگ‌شدن نگاه ضدآمریکایی در داخل کشور ذیل احیانشدن برجام و همچنین تشدید فضای تحریم می‌تواند یک موج سواری سیاسی و رسانه‌ای را برای این جریان ایجاد کند؛ بنابراین باید گفت ایران و دولت رئیسی قید احیای برجام را به‌طور کامل زده‌اند. این دیپلمات پیشین کشور با اذعان به اینکه جامعه جهانی هم به این باور رسیده است که ایران بعد از روی کار آمدن رئیسی دیگر تمایلی به احیای برجام ندارد، سعی کرده در گام اول با استفاده از اهرم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دور جدید فشارها علیه تهران را آغاز کند؛ بنابراین یقینا با این فرمان که دولت رئیسی در حوزه برجامی و فعالیت‌های هسته‌ای پیش می‌رود، آژانس و شورای حکام خود را برای این مهم آماده کرده‌اند؛ به‌ویژه آنکه با صدور قطع‌نامه‌های پیشین، دیگر اعضای شورای حکام رفتار دست به عصای خود را کنار گذاشته‌اند و با جدیت بیشتری مترصد صدور قطع‌نامه‌هایی با لحن تندتر و الزام‌آورتر هستند.

**گیر کار کجاست؟**

در یک تحلیل عمیق‌تر به نظر می‌رسد که احیانشدن برجام، هم از زبان مقامات ایرانی و هم آمریکایی، به مسائل فرابرجامی گره خورده است. پیرو همین نکته حسین امیرعبداللهیان در گفت‌وگویی تلویزیونی در ۳۰ تیر تصریح کرد: «ما الان در نقطه‌ای هستیم که متن آماده‌ای پیش‌روی ماست که در مورد بیش از ۹۶ درصد آن در محتوا بین طرفین اتفاق نظر وجود دارد، ولی در این‌ متن همچنان یک نقص مهم وجود دارد.» اگر این گفته وزیر امور خارجه دولت رئیسی را حمل بر صحت بگذاریم، به‌واقع این چند درصد باقی‌مانده شامل چه مسائلی است و اصطلاحا گره و گیر کار برای رفع این اختلاف‌ها کجاست؟

محسن جلیلود در پاسخ به این سؤال تأکید دارد که مشکل کار برای عدم احیای برجام به همان چند درصدی بازمی‌گردد که یقینا شامل مسائل فرابرجامی است، یعنی اگر گفته امیرعبداللهیان درباره چهار درصد اختلاف باقی‌مانده برای احیای برجام را بپذیریم، قطعا این چهار درصد به اندازه کل ۹۶ درصد توافق صورت‌گرفته در وین ارزش و اهمیت دارد تا جایی که همین چهار درصد، هم تهران و هم واشنگتن را به دوحه کشاند؛ چراکه اساسا مذاکرات برای احیای برجام به ابعاد فعالیت‌های هسته‌ای ایران از درصد غنی‌سازی تا استفاده از سانتریفیوژها، نوع و شرایط دسترسی بازرسان به اماکن هسته‌ای و نظایر آن بازمی‌گردد که کار چندان پیچیده حقوقی و فنی‌ای نیست. بر این اساس، آن چهار درصد از مسائل باقی‌مانده در حوزه غیرهسته‌ای و فرابرجامی است که متأسفانه با توجه به سکوت و عدم درج اطلاعات از سوی مقامات دولت رئیسی می‌توان درباره ماهیت و محتوان آن به چند حدس و گمان مطرح‌شده بسنده کرد که بیشتر بر نکاتی همچون خروج یا عدم خروج سپاه از گروه‌های تروریستی و مسائلی این‌چنینی تمرکز دارد. این در حالی است که فریدون مجلسی در ادامه تحلیلیش برای «شرق» تأکید دارد آنچه به اختلافات باقی‌مانده در احیای برجام بین آمریکا و جمهوری اسلامی ایران

منجر شده، اگرچه در ابعاد غیرهسته‌ای جای دارد، اما حالتی «حیثیتی» برای تهران و واشنگتن پیدا کرده است؛ چراکه از یک سو جو بایدن، هم پیش از سفر خود به اسرائیل و هم در جریان حضورش در سرزمین‌های اشغالی، صراحتا عنوان کرد که خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی، ولو به قیمت عدم احیای برجام را در دستور کار قرار نمی‌دهد و در آن سو هم ایران کماکان به دنبال تحقق این مهم است و این نکته دال بر حیثیتی‌شدن آن است؛ یعنی ایران و آمریکا خیال کوتاه‌آمدن ندارند. هرچند مسائل دیگری مانند تضمین درخصوص عدم خروج مجدد آمریکا از برجام، لغو کامل تحریم‌ها و نیز راستی‌آزمایی لغو تحریم‌ها هم برای تهران مطرح است. این دیپلمات پیشین کشور در ادامه به نکته مهم‌تری اشاره دارد و آن هم ناظر بر شرایط مطلوب کنونی برای دولت رئیسی شده است؛ چراکه از نگاه این تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل، عدم تمایل یا توان دولت بایدن برای دادن تضمین و همچنین خارج‌نکردن سپاه از لیست گروه‌های تروریستی می‌تواند توجیهی برای عدم مذاکره و همچنین عدم احیای برجام باشد و به دنبال آن با مقصر جلوه‌دادن دولت بایدن، فضای دوقطبی ضدآمریکایی در ایران پررنگ‌تر از گذشته شود.

**ارتباط معنادار!**

بعد از گفته‌های برخی مقامات جمهوری اسلامی ایران پیرامون آمادگی و توان تهران در جهت ساخت سلاح هسته‌ای، رافائل گروسی با مطرح‌کردن ادعاهای اخیر خود بر شائبه ابعاد نظامی فعالیت‌های هسته‌ای ایران افزود تا گفته‌های مقامات ایران جدی‌تر از گذشته مبنای تحلیل قرار گیرد. اما به واقع تا چه اندازه بین این دو موضع‌گیری ارتباط وجود دارد؟ آیا مطرح‌کردن این‌ نکات به فاصله اندکی از همدیگر به معنای رسیدن ایران به نقطه گریز هسته‌ای است؟



فریدون مجلسی سؤال مذکور را این‌گونه پاسخ می‌دهد که در داخل ایران، با طرح ادعاهایی مبنی بر آمادگی برای ساخت سلاح هسته‌ای، به دنبال شکل‌گیری شرایطی است که مذاکرات هسته‌ای از شکننده‌ترین نقطه ممکن برسد. این تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل گفته‌هایش را با تمرکز بر نگاه دولت رئیسی پی می‌گیرد و ادامه می‌دهد: دولت سیزدهم اساسا بعد از صدور قطع‌نامه شورای حکام به دنبال آن است که فضا به سمتی میل کند که تهران بدون نظارت آژانس، فعالیت‌های مدنظر خود را گسترش دهد. این در حالی است که به‌هیچ‌وجه تأخیر در ازسرگیری مذاکرات و عدم احیای برجام نمی‌تواند راهکاری درست و نتیجه‌محور برای این دولت باشد؛ چراکه دولت رئیسی در یک ارزیابی این تصور را دارد که می‌تواند با تأخیر در ازسرگیری مذاکرات و احیای برجام، شرایط را در نقطه کنونی فریز کرده و ثابت نگه دارد، در صورتی که اگر جامعه جهانی به این ارزیابی نهایی برسد که ایران با تأخیر در احیای برجام به دنبال بازی سیاسی است، عملکردی رادیکال‌تر را با ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و اجماع جهانی از خود بروز می‌دهد. در عین حال نباید شرایط سیاسی – اجتماعی در داخل کشور را هم از نظر دور داشت که پارامتر بسیار مهمی به شمار می‌رود و باید در تحلیل وزن آن را هم در نظر گرفت.



با این حال محسن جلیلودند تحلیل خود را روی تهدیدزایبودن مواضع مقامات ایران برده و عنوان می‌کند که تهران با طرح این ادعاها از زبان خزازی و لاریجانی صرفا سعی دارد خود را در «آستانه رسیدن به نقطه گریز هسته‌ای» نشان دهد؛ چراکه رسیدن به آستانه نقطه گریز هسته‌ای را باید دیوار آتش دانست که هدف نهایی آن امتیازگیری از طرف مقابل در مذاکرات است، با وجود نکات یادشده، استناد روابط بین‌الملل اعتقاد دارد ایران با تمام برخی از ادعاها به‌هیچ‌عنوان تمایل ندارد به سمت ساخت سلاح هسته‌ای و رسیدن به نقطه گریز هسته‌ای گام بردارد؛ چراکه رسیدن به این نقطه یعنی از دست رفتن اهرم فشار و برگ برنده جمهوری اسلامی؛ اگر ایران ساخت سلاح هسته‌ای را کلید بزند دیگر مواضع ایران کارکرد تهدیدزایی خود را از دست می‌دهد. پس آنچه مهم است به تهدیدزایبودن مواضع ایران برای رسیدن به نقطه گریز هسته‌ای بازمی‌گردد؛ یعنی ایران با غنی‌سازی ۶۰ درصد و آماده‌شدن برای غنی‌سازی ۹۰ درصد به دنبال آن است که در «یک پله مانده به آخر» قرار بگیرد و با تشدید نگرانی جامعه جهانی مبنی بر عدم دسترسی ایران به توان هسته‌ای، مذاکرات را از مسیر مدنظر خود قرار دهد. به همین دلیل مواضع اخیر رافائل گروسی که گمانه‌ها درخصوص ابعاد نظامی فعالیت هسته‌های ایران را تقویت می‌کند، ضمن آنکه می‌تواند فضا را برای ارجاع پرونده از شورای حکام به شورای امنیت سازمان ملل فراهم آورد، در عین حال به ایران کمک می‌کند؛ چراکه باید در نظر داشت گفته‌های مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند در تقویت اهرم فشار ایران برای امتیازگیری مؤثر واقع شود. حال باید دید «اعتبار تهدید ایران» تا چه حدی است؟

**تا حمله نظامی چقدر فاصله داریم؟**

در این شرایط حساس، پیچیده و بغرنج اخیرا ایهود باراک در نشریه تایم مقاله‌ای را به رشته تحریر درآورد که بر حمله یک‌جانبه و گسترده نظامی به ایران

منجر شده، اگرچه در ابعاد غیرهسته‌ای جای دارد، اما حالتی «حیثیتی» برای تهران و واشنگتن پیدا کرده است؛ چراکه از یک سو جو بایدن، هم پیش از سفر خود به اسرائیل و هم در جریان حضورش در سرزمین‌های اشغالی، صراحتا عنوان کرد که خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی، ولو به قیمت عدم احیای برجام را در دستور کار قرار نمی‌دهد و در آن سو هم ایران کماکان به دنبال تحقق این مهم است و این نکته دال بر حیثیتی‌شدن آن است؛ یعنی ایران و آمریکا خیال کوتاه‌آمدن ندارند. هرچند مسائل دیگری مانند تضمین درخصوص عدم خروج مجدد آمریکا از برجام، لغو کامل تحریم‌ها و نیز راستی‌آزمایی لغو تحریم‌ها هم برای تهران مطرح است. این دیپلمات پیشین کشور در ادامه به نکته مهم‌تری اشاره دارد و آن هم ناظر بر شرایط مطلوب کنونی برای دولت رئیسی شده است؛ چراکه از نگاه این تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل، عدم تمایل یا توان دولت بایدن برای دادن تضمین و همچنین خارج‌نکردن سپاه از لیست گروه‌های تروریستی می‌تواند توجیهی برای عدم مذاکره و همچنین عدم احیای برجام باشد و به دنبال آن با مقصر جلوه‌دادن دولت بایدن، فضای دوقطبی ضدآمریکایی در ایران پررنگ‌تر از گذشته شود.



و غیرقابل کنترل وجود دارد و به تبع آن نباید احتمال وقوع هر سناریویی، حتی جنگ نظامی را از نظر دور داشت. هرچند این تحلیلگر مسائل بین‌الملل اعتقاد دارد چیزی به نام جنگ گسترده و محدود نظامی علیه ایران کلید نخواهد خورد و صرفا اسرائیل به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل برای اجماع جهانی و بازگشت پرونده ایران به شورای امنیت فشار وارد خواهد کرد.

**مدیریت منطقه‌ای ایران!**

برخلاف آنکه سرنوشت احیای برجام و ازسرگیری مذاکرات به یک گره و بن‌بست اساسی خورده است، مناسبات منطقه ایران گویا در فضایی کاملا متفاوت و حتی متضاد پیش می‌رود. از یک طرف کوتی‌ها سفیر جدید خود را به ایران فرستادند، در دیگر سو امارات متحده عربی به دنبال ارتقای مناسبات خود با ایران در سطح سفیر و فرستادن نماینده خود به تهران است، اردن و مصر هم سعی در احیای روابط با جمهوری اسلامی دارند و از همه مهم‌تر عربستان سعودی نیز عنوان کرده دور جدید نشست بغداد (دور ششم) با هدف احیای روابط تهران – ریاض در سطح وزیر امور خارجه خواهد بود. در این بین سؤالی که به ذهن خطور می‌کند آن است که فضای متفاوت و کاملا متضاد بین دیپلماسی منطقه‌ای و برجامی ایران نشان از چه دارد؟

فریدون مجلسی و محسن جلیلود در یک نگاه مشترک و خوانشی همسو اعتقاد دارند اکنون که جامعه جهانی از احیای برجام ناامید شده است، کشورهای عربی منطقه به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید در مقابل تهران سیاستی کاملا متفاوت اتخاذ کرد که از یک سو با نزدیکی به جمهوری اسلامی، رفتار و مواضع این کشور را مدیریت کرد و از سوی دیگر زمینه را برای حضور و نفوذ خود در مذاکرات برجامی و غیربرجامی ایجاد کنند.

با این حال فریدون مجلسی این برآورد را دارد که کشورهای حاشیه خلیج فارس به دنبال یک بازی سیاسی با ایران هستند که بتوانند ذیل نزدیکی خود با تهران، یک دیپلماسی هوشمند را برای قرارگرفتن جمهوری اسلامی در مسیر واشنگتن فراهم کنند. البته محسن جلیلود تأکید دارد که اگرچه کشورهای منطقه‌ای سعی می‌کنند روابط خود را با ایران احیا کنند، اما این مهم نشان از آن دارد که کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهان مناسباتی دوسویه و متعادل بین ایران و اسرائیل به صورت هم‌زمان هستند؛ چراکه این کشورها از یک طرف روابط با ایران را از سر گرفته‌اند و پیش از آن هم دست به آشکارسازی مناسبات با اسرائیل زده‌اند. در این شرایط بهترین سناریو برای کنترل تقابل تهران – تل‌آویو فقط به دیپلماسی متوازن منطقه‌ای بازمی‌گردد که بی‌شک به افزایش نفوذ و تقویت وزن دیپلماتیک کشورهای حاشیه خلیج فارس هم منجر شود؛ چون این کشورها به راحتی می‌توانند بین ایران و اسرائیل بازی کنند.

اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها و جلوگیری از اقدامات

خودسرانه افراد، دستور معاون دادستان مشهد را باطل کند. در این دادخواست رسمی تأکید شده است که نامه معاون دادستان مشهد، خلاف قانون و خارج از ضابطه صادر شده و ضمن اینکه بدعتی در زمینه اعمال نظر شخصی افراد محسوب می‌شود، زمینه خدشه به وجهه نظام جمهوری اسلامی را فراهم کرده است.

گفتنی است ماه گذشته معاون دادستان مشهد در نامه‌ای به شهردار مشهد خواستار ممنوعیت خدمات‌دهی

به این اقدام در بیانیه‌ای که روز گذشته منتشر کرد، از ثبت شکوائیه در دیوان عدالت اداری، مبنی بر درخواست ابطال نامه معاون دادستان مشهد درخصوص ارائه‌ندادن خدمات به خانم‌های فاقد حجاب خبر داد.

در این دادخواست رسمی که از طرف تیم حقوقی حزب و به وکالت از دیرکل نگاشته شده، با اشاره به اصول ۱۹ و ۳۷ قانون اساسی و مواد مختلف قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، از رئیس دیوان عدالت اداری خواسته شده به منظور ضرورت احترام به

مترو به افراد فاقد حجاب شرعی شده بود. در پی این دستور، شهردار مشهد در واکنش به این نامه مقام قضائی، ضمن اشاره به عدم پشتوانه قانونی این دستور که خلاف صحبت‌های رهبر معظم انقلاب نیز هست، گفته بود صرفا به دلیل اصرار مقام قضائی این دستور را جهت اجرا ابلاغ کرده است. حقوق‌دانان حزب ندای ایرانیان به پشتوانه اصول متعدد حقوقی با ثبت این شکوائیه رسمی، ابطال این دستور را تا حصول نتیجه نهایی دنبال خواهند کرد.